تحلیل

فائزه سادات یوسفی
خبرنگار

بومرنگ حمایت از جنایات تل‌آویو به کاخ سفید برمی‌گردد

دست و پا زدن بایدن در باتلاق

حمایت‌های همه‌جانبه ایالات متحده از جنایت‌های رژیم صهیونیستی همچنان به طور گستاخانه‌ای جریان دارد. جنایات این روزها در نوار غزه محصول مشترک امریکا و رژیم صهیونیستی است و کاخ سفید فرمانده آلترناتیو تحولات سرزمین‌های اشغالی محسوب می‌شود و به همین دلیل نیز اکنون در صدر مسببان و عاملان آن قرار گرفته است.

امریکا به طور پیشفرض گمان می‌کرد با برخورداری از رهبری امپراطوری رسانه‌ها می‌تواند تصویری خودساخته و زرورق شده از شرایط و تحولات رخ داده را به مردم جهان بویژه جامعه امریکایی قالب کند و با همراه کردن آنها، مسیر اعمال سیاست‌های خود یا همان تداوم جنایات جنگی را هموار سازد. امریکایی‌ها در حالی در اظهارات خود ادعا می‌کنند به دنبال گسترش دامنه جنگ نیستند که این ادعا به هیچ عنوان با عملکرد آن و تسلیح ارتش رژیم صهیونیستی همخوانی ندارد. اما دیری نپایید که مردم با گذر از این دروغ‌پردازی‌ها و روبه‌رو شدن با واقعیت‌ها و جنایات جنون‌آمیز ارتش رژیم صهیونیستی، در مقابل سیاست‌های جاری در سرزمین‌های اشغالی با فرماندهی ایالات متحده قرار گرفتند و خواهان پایان یافتن جنگ و ارسال کمک‌های بشردوستانه فوری به مردم نوار غزه شدند.

در این بین، اصرار امریکا بر حمایت‌های سیاسی، نظامی و مالی از رژیم صهیونیستی، توانسته اعتراضات طبقه اجتماعی را وارد شاکله سیاسی ایالات متحده کند و سبب بالا گرفتن صداهای متضادی درون آن شود.

اختلافات موجود در بدنه سیاسی ایالات متحده

بایدن که در ابتدا به دلیل حمایتش از رژیم صهیونیستی مورد ستایش قرار گرفت، اکنون شاهد انتقاد اعضای حزب خود بویژه رأی‌دهندگان جوان‌تر و مسلمانان و عرب- امریکایی‌هایی است که نگران افزایش تعداد تلفات در غزه هستند و از دولت می‌خواهند برای برقراری آتش‌بس هم تلاش کند.

حتی اعضای کنگره که حامی رژیم صهیونیستی بوده و تاکنون از کمک‌های نظامی به این کشور حمایت کرده‌اند، در این هفته گفتند که می‌خواهند شاهد خویشتنداری بیشتر در عملیات نظامی اسرائیل علیه حماس باشند.

AP

در همین راستا آکسیوس نیز طی گزارشی اعلام کرد که ۱۰۰ نفر از کارمندان وزارت خارجه دولت امریکا از رئیس جمهور این کشور خواسته‌اند تا سیاست خود در قبال رژیم صهیونیستی و جنگ غزه را ارزیابی مجدد کند و خواستار آتش‌بس در غزه شود. آنها همچنین بایدن را به دلیل گسترش اطلاعات نادرست در سخنرانی خود در ۱۰ اکتبر که در دفاع از حمله به غزه بیان کرده، متهم دانسته‌اند.

هفته گذشته نیز بیش از ۴۰۰ تن از مقام‌های سیاسی و کارکنان ایالات متحده به نمایندگی از حدود ۴۰ سازمان دولتی نامه‌ای به رئیس جمهور امریکا در اعتراض به حمایت وی از رژیم صهیونیستی در جنگ غزه ارسال کردند.

هزینه‌های امریکا در قبال حمایت از رژیم صهیونیستی

ایالات متحده در طول حیات سیاسی رژیم صهیونیستی هزینه‌های متعددی را در قبال تعهد به آن متحمل شده است. هزینه‌هایی مرتبط با جنگ‌های متعدد در خاورمیانه که به بهانه تأمین امنیت رژیم صهیونیستی آغاز شده‌اند؛ مانند جنگ‌های ۳۳ و ۲۲ روزه لبنان و غزه و نیز اشغال عراق. تمامی این موارد باعث افزایش احساسات ضد امریکایی در جهان شده‌اند و بروز چنین احساساتی در زمره هزینه‌های این حمایت‌های بی چون و چرا به شمار می‌رود.

به رغم هزینه‌های متحمل شده، اما لاجرم امریکا حمایت تمام قد از رژیم صهیونیستی را تکمیل خواهد کرد تا از فروپاشی راهبرد کلان خود در منطقه خاورمیانه ممانعت به عمل آورد. یکی از دستاوردهای طوفان الاقصی دقیقاً درشت‌نمایی مسأله هزینه‌های کنونی و احتمالی آینده امریکا در صیانت از ماهیت صهیونیست‌ها و سیاستمداران خرد و مردم ساکن ایالات متحده است. هفته‌نامه نیوزویک نوشت، تلاش جو بایدن برای حفظ توازن در سیاست خود در قبال جنگ غزه و جلوگیری از انتقادها از سوی نیروهای چپ، همزمان با تلاش برای ادامه روابط قوی با متحد قدیمی خود در خاورمیانه، به دردسری برای رئیس جمهوری امریکا تبدیل شده که روز به روز بر شدت وخامت آن نیز افزوده می‌شود.

در همین رابطه، روزنامه امریکایی وال استریت ژورنال در تحلیلی تأکید کرده است، منافع امریکا و اسرائیل در جنگ فعلی خاورمیانه هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت از یکدیگر فاصله می‌گیرند و این موضوع جز اینکه مسیر را برای به نتیجه رساندن تجاوز تل‌آویو به نوار غزه برای نابودی حماس دشوارتر کند، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

تصمیمات منطبق، ارائه متفاوت

با وجود آنکه مقامات امریکایی به طور کج‌دار و مریزی از آنچه که وقفه انساندوستانه نامیده می‌شود، حمایت می‌کنند و حتی مدعی هستند دیدگاه متفاوتی با نتانیاهو دارند، اما بسیاری معتقدند این اظهارات دولت امریکا برای آرام کردن خشم داخلی ناشی از حمایت علنی کاخ سفید از رژیم صهیونیستی است. کما اینکه شاهد هستیم، مخالفت‌های زیادی در مورد موضع و چگونگی مدیریت دولت بایدن بر جنگ در سطوح مختلف سیاسی، حزبی و اجتماعی وجود دارد و اعتراضات مردمی بخوبی آن را روایت می‌کند.

از طرفی، دولت بایدن و دموکرات‌ها در آستانه انتخابات و کشمش‌های حزبی، ناچارند رفتار خود را علی‌الظاهر متناسب با مطالبات و خواسته‌های مردم تنظیم کنند و همچنین از بروز اختلافات میان خود جلوگیری به عمل بیاورند. کارشناسان می‌گویند اختلاف موجود بر سر تداوم جنگ غزه در کمیته ملی دموکرات که بایدن برای کارزار انتخاباتی خود به آن تکیه کرده، منعکس کننده اختلافات قدیمی و سیاسی بزرگ‌تر در میان دموکرات‌ها است.

علاوه بر موارد فوق، آنچه که در فحوای دلایل ارائه شده از سوی مخالفان ادامه جنگ دیده می‌شود، هراس از گسترش جنگ و درگیر شدن با گروه‌های مقاومت است. به عنوان نمونه می‌توان به نامه ارسالی ۲۴ عضو دموکرات مجلس نمایندگان امریکا به جو بایدن اشاره کرد که در آن یکی از دلایل نگرانی از تداوم حملات رژیم صهیونیستی، احتمال درگیری با گروه‌های مسلح در خاورمیانه ذکر شده است.

در مجموع می‌توان گفت که اختلافات به وجود آمده در سطوح سیاسی امریکا، عمق سردرگمی و اتخاذ راهبرد برای مدیریت فضای به وجود آمده را اثبات می‌کند. چه آنکه اهداف کاخ سفید و کابینه جنگ در توقف ناپذیری ماشین جنگی در غزه و کرانه باختری انطباق کامل دارند و هر کدام با تقسیم وظایف تلاش می‌کند که از سهم خود نهایت استفاده را ببرند. در همین زمینه روز گذشته بایدن با پافشاری بر موضع خود در قبال جنگ غزه و حمایت کامل از رژیم صهیونیستی اعلام کرد که جنگ زمانی متوقف می‌شود که جنبش حماس دیگر نتواند نیروهای ارتش رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار دهد. به معنایی، چرخه خشونت و موشکباران و هدف قرار دادن بیمارستان‌ها و مدارس و غیر نظامیان به بهانه دروغین تکمیل پروژه «حذف حماس» همچنان استمرار دارد.

خانواده اسرای اسرائیلی و سران اپوزیسیون و احزاب، خواستار آتش‌بس و برکناری نتانیاهو شدند

راهپیمایی ده‌ها کیلومتری معترضان علیه بی‌بی

Twitter

گزارش

زهره صفاری
خبرنگار

خانواده‌های خشمگین اسرای اسرائیلی در جنگ اخیر پس از ۵ روز تظاهرات و راهپیمایی پیوسته، برای اعتراض به سیاست‌های بنیامین نتانیاهو و کابینه افراطی‌اش در قتل‌عام‌های غزه، خود را به دفتر نخست‌وزیری رساندند و خواستار پاسخگویی دولت بی‌بی و آتش‌بس فوری شدند. این در شرایطی است که اعتراضات به نتانیاهو در میان احزاب چپ و راست بالا رفته است تا علاوه بر افول محبوبیت نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در میان مردم سرزمین‌های اشغالی، رؤسای احزاب این رژیم نیز خواهان استعفا و برکناری او باشند.

بنا بر گزارش تایمز اسرائیل، تظاهرات‌کنندگان که با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین «در چشم‌های ما نگاه کنید» و تصاویر اسرا، خواستار پاسخگویی دولت نتانیاهو درباره وضعیت اسرای این رژیم بودند، ناامید از گفت‌وگو با نخست‌وزیر و وزرایش، وعده دیدار با بنی گانتس و گادی آیزنکوت؛ رؤسای پیشین ستادکل ارتش رژیم صهیونیستی و نمایندگان کنونی کنست را گرفتند تا بتوانند فریاد خشم خود را به تل‌آویو برسانند.

آن‌طور که تصاویر رسانه‌های عبری حکایت داشتند، تجمع روز پنجم خانواده‌های اسرای اسرائیلی در تل‌آویو با حضور ده‌ها هزار نفر از ساکنان سرزمین‌های اشغالی بسیار پرشور بود و برگزارکنندگان این اجتماع که در چند روز اخیر نگران مداخله پلیس رژیم صهیونیستی بودند با صدور مجوز در آخرین لحظات، از تل‌آویو خود را به دفتر نتانیاهو در قدس رساندند.

گرچه مقامات رسمی تعداد حاضران در این تظاهرات اعتراضی بزرگ را اعلام نکردند اما برگزارکنندگان این اجتماع عظیم، شمار شرکت‌کنندگان را ده‌ها هزار نفر دانسته و کانال ۱۲ تلویزیون این رژیم نیز تعداد معترضان را حدود ۳۰ هزار نفر برآورد کرده است.

کوبی بن آمی، از اعضای خانواده یکی از اسرای جنگ ۷ اکتبر به این شبکه تلویزیونی گفت: «خانواده‌ها برای دیدار وزرا التماس کردند تا از برنامه دولت برای استرداد اسرا اطلاع پیدا کنند. اما هیچ کس صدای ما را نشنید. اما آفرین به مردم که به کمک ما آمدند. هزاران نفر در این چند روز برای ما نوشیدنی و غذا می‌آوردند و برای اسکان خانواده‌ها و حامیانشان همکاری داشتند. من به شما افتخار می‌کنم و قدردان‌تان هستم.»

همراهی رقیب نتانیاهو در اعتراضات

اما آنچه در روز پنجم اعتراضات به سیاست‌های تهاجمی نتانیاهو و کابینه‌اش در این جنگ جالب توجه بود، پیوستن برخی مخالفان نخست‌وزیر به تجمع معترضان بود. یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون این رژیم یکی از کسانی بود که در مسیر تل‌آویو به قدس در این راهپیمایی حاضر شد.

دیدار با بنی گانتس و گادی آیزنکوت نیز در بازگشت خانواده‌ها به تل‌آویو انجام شد و یکی از تظاهرات‌کنندگان ناامید از گفت‌وگو با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، تأکید کرد: «ما پیامی برای کابینه جنگ داریم؛ شما نمی‌توانید بدون گفت‌وگو با ما و نگاه کردن در چشم‌های‌مان، برای جنگ تصمیمی بگیرید!» به نوشته الجزیره، یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون رژیم صهیونیستی با تأکید بر اینکه مردم و احزاب این رژیم پس از حمله ۷ اکتبر، دیگر به نتانیاهو اعتماد ندارند و او باید هر چه سریع‌تر استعفا دهد، گفت: «نتانیاهو باید فوری کنار برود... ما نیاز به تغییر داریم و او نباید دیگر نخست‌وزیر بماند.»

او نتانیاهو را متهم و تأکید کرد، ناتوانی دستگاه‌های امنیتی تحت هدایت او ناکامی نابخشودنی بود: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم، نخست‌وزیری که مردم به آن اعتماد ندارند، مدت طولانی سر کار بماند.»

این نخستین باری است که یائیر لاپید خواستار استعفای نتانیاهو و همچنین انجام اصلاحات ملی با نخست‌وزیر جدید شده است؛ موضوعی که بلافاصله به آن واکنش نشان داد و با اتهام زدن به لاپید، اظهارات او را در این برهه جنگی شرم‌آور خواند.

سکوت اجباری

الی گوزانسکی یکی از مقامات ارشد حزب چپگرای کمونیست رژیم صهیونیستی نیز معتقد است، دولت نتانیاهو پاسخی برای سیاست‌هایش در این جنگ ندارد. وی در گفت‌وگو با سایت جاکوبین گفت: «دولت فعلی اسرائیل به رهبری نتانیاهو، فارغ از همه اتهامات فساد و... که به آن وارد است، راستگراترین، فاشیست‌ترین و نژادپرست‌ترین دولت اسرائیل است. در واقع این دولت است که تلاش می‌کرد با یک کودتای قانونی سیستم سیاسی را تغییر دهد و بزرگ‌ترین و قوی‌ترین اعتراضات برای مدت چهل هفته پیاپی علیه آن انجام شده است. از طرفی تا پیش از این جنگ نیز از دیدگاه روابط خارجی، نتانیاهو کاملاً منزوی شده و برای تغییر این شرایط، چشم به حمایت‌های امریکا و توافق با عربستان سعودی بسته بود، اما حمله ۷ اکتبر همه چیز را تغییر داد و او حالا با حمایت امریکا و اروپا این بار بیرحمانه‌ترین جنگ را در غزه به راه انداخته است.»

وی افزود: «نتانیاهو ابتدا بنی گانتس را به دولت دعوت کرد و در ادامه به سیاق راست‌های افراطی از این امتیاز برای شدت دادن به تهاجم‌هایش به فلسطین بهره گرفت. اما در نهایت آنچه دولت فعلی نشان داده، این است که آنها هیچ پاسخ روشنی برای روزهای بعد از جنگ ندارند و درخواست اصلی‌ترین رقیب‌شان نیز استعفای نتانیاهو است.»

گوزانسکی آینده دولت نتانیاهو را این‌گونه پیش‌بینی کرد: «بی‌شک دولت فعلی، ناکامی تدریجی و بحران‌های فزاینده را برای اسرائیل در پی دارد، چرا که آنها به‌خوبی می‌دانند که هرگز نمی‌توان مردم فلسطین را نابود کرد و فشارهای بین‌المللی رو به افزایش خواهد رفت. بنابراین همه چیز تغییر خواهد کرد و شروع آن نیز با جایگزینی این دولت و مذاکره با فلسطینی‌ها خواهد بود. احتمال وقوع این فرضیه مشخص نیست اما بدون شک اگر انجام شود ما از یک بحران به فاجعه می‌رسیم.»

صهیونیست‌ها به دنبال آتش‌بس نیستند

ناظران معتقدند، از آنجا که نتانیاهو فقط رهایی سیاسی‌اش را در خون، تانک، ولع برای شهرک‌سازی و تحقق رؤیاهایش می‌بیند، آتش‌بسی در جنگ اخیر صورت نخواهد گرفت و حتی او برای نیل به اهدافش به تفرقه‌افکنی بیشتر نیز می‌اندیشد. آتش‌بسی صورت نخواهد گرفت چرا که نتانیاهو برای خواسته‌های حامیان آتش‌بس که لیبرال‌های سکولار و چپگراها هستند اهمیتی قائل نیست. از سوی دیگر آتش‌بسی صورت نمی‌گیرد چون این دولت افراطی در قدرت غرق شده و برنامه روشنی نداشته و در ارائه پاسخ به سؤالات سخت قانونی، ناتوان مانده است.

برای اثبات این دلایل، اظهارات مشاور شورای امنیت ملی رژیم صهیونیستی کافی است. تزاچی کانگبی به تایمز اسرائیل گفت: «ما زمانی با آتش‌بس موافقت می‌کنیم که شمار زیادی از گروگان‌ها آزاد شوند و ما آن را تأیید کنیم. تنها در این صورت است که با آتش‌بس موافقت خواهیم کرد و بدون شک این آتش‌بس بسیار کوتاه و محدود خواهد بود و بعد از آن ما برای تحقق اهداف‌مان در جنگ عملیات‌ها را ادامه می‌دهیم.»

شیوه‌های رزمی نوین حماس در گفت‌وگو با محمدمهدی یزدی، کارشناس حوزه دفاعی و نظامی بررسی شد

دست برتر مقاومت در جنگ شهری

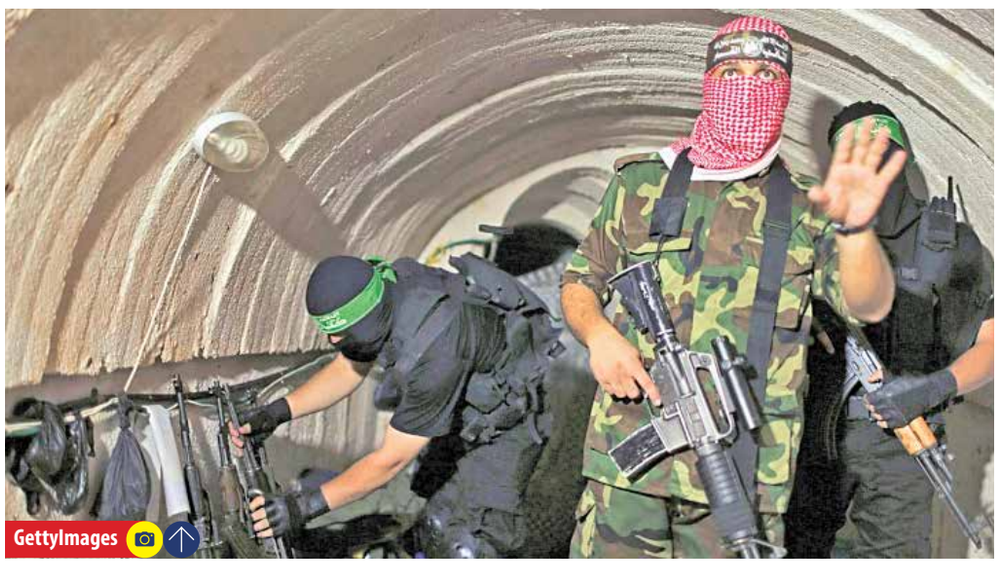
GettyImages

گفت‌وگو

امیر فرشباف
خبرنگار

ناظران درخصوص نبرد ارتش صهیونیستی با جنبش حماس در غزه عقیده دارند برای ارزیابی نهایی این جنگ نباید با معیارهای سنتی آن را سنجید؛ چرا که در غزه شاهد یک نبرد نامتقارن هستیم و در جنگ‌های نامتقارن نیز با اینکه نیروهای غیرکلاسیک تلفات زیادی می‌دهند، اما در پایان به دلیل فرسایشی شدن و ناتوانی نیروهای رزم کلاسیک در مدیریت جنگ، این گروه‌های غیرکلاسیک هستند که پیروز می‌شوند، به تعبیر دیگر، ارتش‌های کلاسیک معمولاً در مواجهه با گروه‌ها و شیوه‌های نامتعارف، نمی‌توانند اهداف سیاسی جنگ را محقق کنند.

درباره شیوه‌های بدیع مقاومت فلسطینی با نیروهای اشغالگر باید به پیوند و همزمانی عملیات میدانی با عملیات روانی اشاره کرد که مرحله نوینی از نبرد را رقم زده و ماشین جنگ روانی رژیم صهیونیستی را از کار انداخته است. در این خصوص، روزنامه عبری هاآرتص طی گزارشی درباره هماهنگی اطلاعات و عملیات در شیوه‌های جنگیدن حماس و پیوند کنش رسانه‌ای توأم با عملیات میدانی نوشت: «روش عملیاتی آنها (گردان‌های قسام) برای مقابله با ما (در غزه) این‌گونه است که یک تیم ده نفره ابتدا یک پهپاد شناسایی را با ظهور اولین نشانه‌های سپیده‌دم می‌فرستند و مکان تانک‌ها، خودروها و تجمع نظامیان را برای آنها مشخص می‌کند و سپس به چند گروه عملیاتی تقسیم می‌شوند و هر گروه دو نفره لباس‌های غیرنظامی سبک می‌پوشند. یکی از آنها دوربین را روی سر می‌گذارد و سپس روز خود را در حال حرکت در میان نظامیان ما از طریق اختفا در تونل‌ها، کوچه‌های باریک و ساختمان‌های ویران شده می‌گذرانند و سربازان و تانک‌های ما را با سلاح‌های دقیق هدف قرار می‌دهند و با شروع تاریکی هوا ناپدید می‌شوند و به پایگاه‌های خود باز می‌گردند...»

هاآرتص همچنین نسبت به فرسایشی شدن جنگ زمینی و تلفات بالای آن برای رژیم صهیونیستی هشدار داد و نوشت: «ارتش ما تا چه زمانی می‌تواند در برابر این فرسایش و این رویارویی بین یک ارتش با وسایل و تجهیزات سنگینش و ده، بیست نفر حداکثر در روز مقاومت کند؟!»

به عبارتی حماس از نخستین روز جنگی که اکنون ۴۳ روز از آن می‌گذرد، شیوه‌های جدیدی اتخاذ کرده که به‌دلیل نو بودن، باعث غافلگیری ارتش رژیم صهیونیستی در تمامی مراحل این جنگ تاکنون شده است. این چیزی است که محمد مهدی یزدی، کارشناس حوزه دفاعی و نظامی در گفت‌وگو با «ایران» نیز بر آن تأکید کرده و می‌گوید: «عملیات طوفان‌الاقصی و تداوم آن از چند جهت بی‌سابقه است؛ نخست به لحاظ کیفیت درگیری سابقه نداشته که نبرد زمینی و رودررو به این شکل تداوم داشته باشد و پیش از این عمدتاً اسرائیل به صورت هوایی اهدافی را بمباران می‌کرد، دوم به لحاظ میزان تلفات، خسارات وارد شده به ارتش اسرائیل بی‌سابقه است و سوم به لحاظ زمانی و استمرار و امتداد آن.» وی همچنین در این خصوص که آیا شیوه‌های رزمی نوین حماس، فصل جدیدی در نبردهای ارتش صهیونیستی با گروه‌های مقاومت فلسطینی باز کرده است نیز معتقد است: «بله زیرا تا پیش از این، صهیونیست‌ها با حملات هوایی مناطقی را مورد هدف قرار می‌دادند و مقاومت نیز با راکت پاسخ می‌داد؛ اما اینکه بیش از ۴۰ روز از شروع جنگ بگذرد و این حجم تلفات به اسرائیل وارد شود، سابقه نداشته است.»

محمدمهدی یزدی یکی از دلایل ناکامی‌های مداوم ارتش رژیم صهیونیستی را ورود آن به جنگ شهری می‌داند و می‌گوید: «نکته‌ای که نباید از آن گذشت، تن دادن اسرائیل به جنگ شهری است؛ جنگ شهری قواعد و معیارهایی دارد که آن را از نبرد کلاسیک متمایز می‌کند و یکی از مهم‌ترین آنها شناخت زمین و استفاده از موقعیت مکانی است. می‌دانیم که گروه‌های مقاومت نه تنها غزه و محیط نبرد را بخوبی می‌شناسند؛ بلکه زمین آنجا را با حفر تونل‌هایشان مجهز کرده‌اند و این تونل‌هایی که در آن منطقه حفر شده‌اند می‌توانند از یک‌سو، به عنوان سنگر دفاعی و از سوی دیگر، مکان حمله به ارتش صهیونیستی باشند.»

این کارشناس حوزه دفاعی همچنین درباره سایر شیوه‌های حماس در جنگ غزه تأکید می‌کند: «اعلام شد که پس از حمله زمینی اسرائیل به غزه، بالغ بر ۲۷۰ مورد از ادوات و تجهیزات سنگین زرهی و نفربر اسرائیلی فقط توسط حماس مورد هدف قرار گرفته‌اند و دلیل آن نیز به سبک بودن تسلیحات ضدزره مقاومت بازمی‌گردد. به عنوان نمونه راکت‌های «یاسین» یا موشک‌های ضدزره مقاومت به‌راحتی هر جایی قابل نصب یا قابل حمل هستند و از هر تونلی می‌توانند آنها را به میدان بیاورند و از فاصله بسیار نزدیک می‌توانند به تانک‌ها و خودروهای اسرائیلی شلیک کنند. تحولات میدانی پس از طوفان‌الاقصی نشان داد که درست است که رژیم صهیونیستی ناگزیر از ورود زمینی به غزه شد؛ اما احتمالاً به هیچ‌وجه فکر نمی‌کردند که توان ضدزره مقاومت فلسطینی این‌قدر بالا باشد که بتواند چنین تلفاتی را به آنها وارد کند.»

وی چگونگی حضور سایر گروه‌های مقاومت و شیوه‌های آنان در این جنگ را نیز مؤثر می‌داند و می‌گوید: «اسرائیل علاوه بر جنگ زمینی و شهری‌ای که با مقاومت دارد، از شمال و جنوب و شرق هم مورد حمله قرار گرفته است؛ یعنی علاوه بر درگیری در اراضی اشغالی، توسط مقاومت لبنان از شمال، انصارالله یمن در جنوب و گروه‌های مقاومت عراق در شرق نیز تهدید می‌شود. بنابراین از این جنگ فرسایشی نمی‌تواند سربلند خارج شود؛ تراکم جمعیتی بالای غزه، تونل‌های دسترسی‌ناپذیر حماس و کارآمدی تسلیحاتی مقاومت، خصوصاً ادوات ضدزره، مواردی هستند که موازنه قدرت را تغییر داده‌اند. قبلاً اسرائیل اهدافی را اعلام و به آنها حمله می‌کرد و سرنوشت جنگ را تاحدودی مدیریت می‌کرد؛ اما اکنون بنا به ضربه‌ای که خوردند، مجبور شدند یک هدف وجودی تعیین کنند (نابودی حماس) و چهل روز است که حتی به آن نزدیک هم نشده‌اند. تنها کاری که انجام داده‌اند، بمباران‌های شدید بوده که چیز جدیدی نیست و این ورود زمینی‌شان به غزه را نیز نمی‌توان یک دستاورد موفقیت‌آمیز نظامی دانست، چون تلفات سنگینی داده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این جنگ شهری و زمینی اخیر یک فصل جدیدی از نبرد گروه‌های فلسطینی با نیروهای صهیونیست را رقم زد و نشان داد که این تصویری که از نیروی زمینی و توان زرهی اسرائیل برساخته شده بود، خیلی قابل اعتنا نیست. البته نمی‌توان گفت تسلیحات صهیونیست‌ها ضعیف یا غیرقابل استفاده است؛ بلکه مسأله این است که در سوی دیگر نبرد، نیروهای فلسطینی به تسلیحات ضدزره تجهیز شده‌اند و این می‌تواند یک مرحله جدید در نبردهای آینده باشد.»